

اعتبارات خاصی که دارد ضمیمه کند که هم رعایت همشیره زاده شده باشد و هم رعایت وراثی که بالاخره قروض آن مرحوم بعد از آنها است.

زیرا همانطور که عرض کردم قروض را باید صبا یا و بسر مرحوم مساوات بدهند و همشیره زاده که در این قسمت مداخله ندارد نباید در اخذ حقوق مساوی باشد. این یک رائی است که بعقیده بنده برخلاف عدالت است و اگر آقایان با این پیشنهاد موافقت فرمایند گمان میکنم بهتر باشد رئیس - بنده تصور میکنم باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت برای اینکه در ضمن پیشنهاد آقای شیروانی رد شد.

بهار - اما این پیشنهاد بنده نصف است و بآن پیشنهاد تفاوت دارد.

رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - بالاخره باید دولت و مجلس در مد نظر داشته باشند که رعایت حال اشخاص بی بضاعت یا از نقطه نظر خدا است و با از نقطه نظر علاقه مندی بخدمت مرحوم مساوات است.

چنانچه میگویند مرحوم مساوات در زندگیش از این شخص نگاهداری میکرد و او را با اولادانش مساوی میدانسته است حالا ما هم که این فکر را می کنیم باید کامل این مسئله را در نظر بگیریم که اگر از نقطه نظر علاقه مندی به مرحوم مساوات همانست که کمیسیون تصویب کرده و اگر هم از نقطه نظر رعایت حال اشخاص بی بضاعت است که این شخص هم بی بضاعت است.

اینکه گفته میشود قروض برعهده وراث آن مرحوم است هیچ همچو چیزی نیست، قروض برعهده اموالی است که از شخص باقی میماند نه برعهده وراث.

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی این بود که حقوق همشیره زاده آقای مساوات قطع شود و نصف تخصیص داده شود به بسر مرحوم مساوات و نصف بچهار صبیبه. نصف آن میشود ده تومان و این پیشنهاد آقای بهار هم اینست که ده تومان از حقوق همشیره زاده تخصیص داده شود به حقوق صبا یا آن مرحوم و بنظر بنده این پیشنهاد در ضمن پیشنهاد اولی رد شده است معذرت اجازت میفرمائید رأی بگیریم؟

بهار - پیشنهاد بنده غیر از آن پیشنهاد است

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای بهار آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده واحده باورقه. ورقه سفید علامت قبول و آبی علامت رد است.

( اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد )

ورقه سفید (۸۱)

اسامی رأی دهندگان: آقایان آشتیانی سلطانی. آقا سید محی الدین. شیروانی. کازرونی. آقا شیخ فرج الله. فرج الله خان کردستانی. اکبر میرزا اجاق. عظیمی. داور. هایم. آقا سید احمد بهبهانی. میرزا اسمعیل خان وکیل. میرزا محمد تقی بهار. شوشتری. آقا سید ابراهیم ضیاء میرزا صادق خان اکبر. حائری زاده. حاج میرزا علی رضا. حاج آقا رضا رفیع دکتر امیرخان اعلم. عراقی. طباطبائی دیبا. آقا سید یعقوب. طهرانی. محمدولی خان اسدی. سهراب زاده. میرزا بدالله خان. میرزا محمدخان وحید. دیوان بیگی آقا شیخ هادی طاهری. اتابکی. مفتی کاشانی. نجات. میرزا اسمعیل خان اصائلو آقا رضا مهدوی. ملیم ایزدی. مرتضی قلیخان بیات. بهرامی. صدرائی. محمد تقی خان اسعد. میرزا عبدالله خان معتمد. حاج میرزا اسدالله خان. هرمزی. معظم یاسائی. حاج میرزا عبدالوهاب خوئی. حبیب الله خان شادلو. لطف الله خان لبقوانی. سهراب خان دامغانی. اسکندری. زاهدی. سردار نصرت. دادگر. آقا سید علاءالدین دکتر آقایان. سلیمان میرزا. ناصر دامغانی سلطان ابراهیم خان افخمی. عصر انقلاب. اخگر. حکمت. افسر. الموتی. میرزا عبدالجسین صدر. آقا میرزا حسینخان پیرنیا. آقا سید کاظم یزدی. حاج شیخ عبدالرحمن. یحیی زنگنه آقا شیخ جلال الدین. آقا میرزا شهاب خطیبی. کی استوان. افشار. آقا سید احمد خان اعتبار. میرزائی. انجاد.

رئیس - عده حاضر (۸۳) ماده واحده با اکثریت (۸۱) رأی تصویب شد. چون مقداری از ظهر گذشته و بعضی از آقایان هم تشریف برده اند بنا بر این جلسه آتیه همانطور که معین شده است روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم لایحه قرضه های فلاحی و در ضمن انتخاب کمیونها خواهد بود.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م. شهاب

جلسه ۲۱۴

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه هفدهم آبان ۳۰۴ مطابق بیست و یکم شهر ربیع الثانی یک هزار و سیصد و چهل و چهار ۱۳۴۴ مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس پنجشنبه چهار دهم

آبان را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چون القاب را مجلس لغو کرده است خوبست بجای شیخ الاسلام در صورت مجلس آقا سید اسمعیل نوشته شود

رئیس - نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - چون آقای معاون وزارت مالیه و آقای معاون وزارت داخله اینجاست تشریف داشتند بنده خواسته راجع سجل احوال تذکر بدهم که در قانون يك مستثنیاتی هست که از فقرا پولی گرفته نشود و این مسئله در همدان اسباب زحمت شده است

خوبست آقایان قدغن کنند به مأمورینشان که از مردمان فقیر که نصف اهالی همدان از این قبیل اشخاص هستند بعد از تحقیق نسبت بآنها سخت گیری نکنند و چیزی از آنها نگیرند تا قانونی که در آن جا مشغول اجرائش هستند زودتر اجرا شود.

معاون وزارت داخله - همان طور که قانون معین کرده است وزارت خانه به مأمورینش دستور داده است که (ولو اینکه مبلغ جزئی است و يك قران چیزی نیست)

نسبت بقرا با مدارا رفتار نمایند و گمان میکنم تا بحال تضيیفی نشده باشد و نهایت رعایت بعمل آمده باشد معذرت بآزهم تا کید و توصیه خواهد شد.

رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده مدتی بود که يك موضوع مهمی را میخواستم به عرض مجلس برسانم و بواسطه یاهای موانع موفق نمی شدم و تصور میکنم در این موضوع اغلب آقایان و کلاسه بلکه تمام آقایان بانظریات بنده موافقت

داشته باشند و آن موضوع اصلاح آستانه است در دو سال قبل از طرف والا حضرت بهلوی امر شد بامیر لشکر که کمیسیون تشکیل بدهند در آستانه مقدسه

باصلاحات آستانه مقدسه يك توجهانی بشود.

آقای میرزائی نماینده محترم که سر کشیک چهارم هستند در آن موقع در مشهد تشریف داشتند و بنده هم مفتخرانه و خوشبختانه موفق بودم بمضویت این کمیسیون در ضمن عملا يك قضایائی مكشوف شد که حالا مقتضی نیست به عرض آقایان برسانم یعنی خیلی مفصل است يك فقر از رقبات معظمه آستانه مقدسه به لطائف الحیل و دسیسه از آستانه منتزل شد و يك اسناد و مدارکی هم در دست هست که بعد در جلسات آتیه به عرض آقایان میرسانم.

فملا عرض بنده تذکر است بآقایان و کلا و مخصوصا بشخص والا حضرت بهلوی میخواهم تذکر بدهم که امروز مكلف هستند باینکه تسریع کنند در قضایای اصلاحات آستانه و هر قدر تأخیر بشود يك نگرانی هائی برای مسلمانهای عالم پیدا خواهد شد

مخصوصا این نکته را عرض میکنم که اغلب از مسلمانهای هندوستان يك تحف و هدایائی میآوردند که به آستانه مقدسه تقدیم کنند و نظر باغتتاش و بی ترتیبی آستانه از تقدیم آنها خودداری میکردند و عودت میدادند و این مسئله يك مسئله ایست که فعلا از وظائف خاص شخص آقای بهلوی است که باید زودتر تسریع کنند و این نگرانیها را از همه مرتفع نمایند و بنده هم در آتیه آن اسناد را به عرض آقایان میرسانم

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده برای این تحصیل اجازه کردم که در یکی دو موضوع توجه مجلس شورای ملی جلب کنم البته آقایان همه میدانند که دوره پنجم مجلس شورای ملی از بدو افتتاح بواسطه يك عللی گذر آن ضروری نیست مواجه نایک مشکلاتی شده است ولی این مشکلات در سایه لیاقت نمایندگان و اثبات اقتدار و عظمت مجلس شورای ملی حل شده است بنا بر این لازم است حالا نایک فراغت خاطر یك قسم از وظائف مهمی که متوجه مجلس شورای ملی است انجام شود البته آقایان تصدیق میفرمایند که یکی از وظائف مهمه مجلس شورای ملی تصویب بوده است مخصوصا تصویب بودجه ۱۳۰۵ بنده میخواهم تذکر بدهم که بدولت تذکر داده شود بودجه هزار و سیصد و پنج را هر چه زودتر تنظیم کرده بمجلس فرستند.

قسمت دیگر هم که آثار مهمه اش در زندگانی مادی مملکت و سعادت جامعه محل تردید نیست مسئله پروژه و پیشنهاد لایحه راه آهن است (بعضی از نمایندگان صحیح است) که

مجلس شورای ملی در سوابق ایافت و اقتدار قانونی خودش مقدمات آنرا فراهم کرده است .

بنابر این تقاضا میکنم از ریاست محترم که تذکر بدهند هر چه زودتر وسائل تهیه ییشتنهادار فراهم و تقویم مجلس شورای ملی نمایند (صحیح است)

رئیس - تذکره داد میشود  
جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - خبر ششمه اول راجع بانتخاب آقای محمد تقی خان اسعد که در جلسه قبل برض آقایان رسید آقای حاج حسن آقا ملک مخالف بودند و مخالفت خودشان را مسترد کردند بنابر این رأی میگیریم آقایانی که نمایندگان آقای محمد تقی خان اسعد را از سوا و زرنند تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بنمایندگی دکتر آقایان است در جلسه قبل آقای آقا سید یعقوب مخالف بودند .

آقایان نمایندگان اسامی آقایان نمایندگان مستحضرنند که بنده کمتر مخالفت کرده ام هیچ حاضر نبودم که در مقام مخالفت با نماینده بکلمت بر آیم .

مخالفی را که بنده راجع باین اعتبار نامه اظهار کردم دو چیز مبدأ آن بود : یکی مسئله صلاحیت یکی هم مسئله قانون راجع بدوسیه مراجع کردم دیدم وزارت خارجه تصدیق کرده است و از آنجائی هم که به من اطلاع داده بودند تردید کردند .

مسئله دیگر مسئله قانون بود قانون دانه در مجلس هستند .

ولی این مسئله مسئله قضائی بود که در واقع بنده میتوانم بظاهرش وارد کنم که بعد از این مجلس نسبت به مسئله اکثریت یک تصمیمی اتخاذ کند که در عدلیه و قوه قضائی مانا تأثیر داشته باشد

در نظر آقایان هست وقتیکه آقای میرزا قاسم خان صور کفیل وزارت داخله بود یک لایحه در اینجانب پیشنهاد کرد در شرح و فهم ماده قانون در مقابل اکثریت و اقلیت و بعد مجلس یک رأی داد راجع با اکثریت که در محکم که وقتی هفت نفر باشند چهار نفر که رأی دادند رأی آنها قاطع است یا اگر محکم که سه نفر باشند و دو نفر رأی دادند رأی آن دو نفر قاطع است و اگر بیست و یک نفر باشند و سه نفرشان هفت نفر عضو داشته باشد و سه نفرشان نباشند آن چهار نفر دیگر اگر رأی دادند قاطع است

آقای آقا شیخ جلال مستحضرنند در عدلیه نظیرش پیدا شد خانه یک کسی را خراب کردند با اکثریت دورانی که دو نفر در محکم نشستند و رأی دادند بعد رئیس محکم آمد گفت اکثریت سه نفر حکومت

دارنده اکثریت دورانی که بیانش بگویند اکثریت حاصل شده است

ولی چون این مسئله مبتنی بود برای مجلس که مجلس رأی داده است که اکثریت حکومت دارد و رایش قاطع است باین جهت بنده مخالفت کردم ولی بعد بنده تذکره دادند که مجلس تکذیب کرده است . مجلس اکثریت اعضا انجمن را که چهار نفر از هفت نفر باشند تصویب کرده است و محل اختلاف هم نیست .

این بود مخالفت بنده که برض آقایان رسانیدم و رفته هم جمعی از آقایان امضاء کرده بودند برای رأی مخفی و نظر باینکه آخر دوره است هفت نفر از آقایان مخالفت خودشان را پس گرفتند و حاضر نشدند که در این باب رأی مخفی گرفته شود و نظر به اینکه آقای دکتر آقایان جوان فاضلی است باین جهت رأی خودشان را پس گرفتند و فعلا هم بنده هم بیش از این عرض ندارم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای دکتر آقایان آقایانیکه نمایندگان ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

معاون وزارت مالیه - لایحه پنجاه هزار تومان اعتبار برای مصارف انتخابات مجلس بدوسیه تقدیم میکنم و تقاضای فوریت دارم و استدعا میکنم در جلسه امروز مطرح شود .

رئیس - قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی خاطر آقایان نمایندگان محترم از لزوم فوری تهیه اعتبار جهت مخارج انتخاب اعضای مجلس مؤسسان بخوبی مسبوق است چون فعلا چنین اعتباری وجود ندارد هیئت دولت بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه ماده واحده ذیل را تهیه و تقدیم و ضمناً تصویب سریع آن را از آقایان نمایندگان محترم استدعا مینماید .

(ماده واحده)

وزارت مالیه اجازه داده میشود که از محل صرفه جوئی بودجه در باب بابت چهار ماه آخر سال ۱۳۰۴ مبلغ پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخاب اعضای مجلس مؤسسان بپردازد .

(وزیر داخله شکر الله)

(وزیر مالیه محمد علی فروغی)

(کفیل ریاست وزراء محمد علی)

رئیس - نسبت بتقاضای فوریت مخالفتی نیست ؟

رئیس - رأی میگیریم بفوریت . (یک فوریت بیشتر ندارد) آقایانیکه فوریت لایحه را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده واحده مطرح است . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خواستم آقایان مرحمت کنند دومرتبه این لایحه را بخوانند که این وجه برای انجمن نظار طهران است یا برای کل مملکت

است .

رئیس - آذی داور (اجازه)

داور - اظهار مخالفتی نکردند که بنده چیزی عرض کنم سئوالی کردند جوابش هم واضح است که برای کل مملکت است

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - عرضی ندارم بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست .

رئیس - مخالفی نیست جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی میگیریم با ورقه ورقه سفید علامت قبول ورقه کبود علامت رد (اخذوا استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)

ورقه سفید هفتاد و شش

رئیس - عدده حضار هشتاد و شش با اکثریت هفتاد و شش رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان آقایان : سلطان ابراهیم خان افخمی . میرزا احمد خان شریعت زاده . اکبر میرزا . شیروانی . میرزا علیخان خطیبی . فرح الله خان کردستانی آصف . آقا سید یعقوب . میرزا حسین خان اسفندیاری . ابوالحسن یرنیا . حاج حسن آقا ملک . میرزا محمد نجات . میرزا شهاب الدین . سید عبدالعلی میرزائی . آقا سید جواد معوق . میرزا صادق خان اکبر . آقا سید ابوالحسن حائری . زاده . دکتر امیر خان اعلم . دست غیب . میرزا یوسف خان قائم مقام . حاج آقا رضا رفیع . دکتر حسین خان بهرامی . حاج شیخ عبدالرحمن صالحی . حاج میرزا علی رضا قبی . مرتضی قلیخان بیات . آقا رضا مهدوی .

میرزا ابراهیم خان سهراب زاده سلیم ایزدی . میرزا محمد حسین صدرائی . محمد ولیخان اسدی . میرزا محمد خان وحید میرزا عبدالعزیز مفتی . میرزا آقاخان دیوان بیگی . میرزا اسمعیل خان اصلوا . میرزا حبیب الله خان شادلو . فتح الله میرزا هرمزی . میرزا محمد خان معظمی .

ارباب کیخسرو شاهرخ . آقا سید محمد علی شوشتری . لطف الله خان لبقوانی . سیف الله خان اسکندری . سهراب خان ساکتیان . میرزا جواد خان خوبی . میرزا

آقاخان انقلاب . میرزا علی اکبر خان داور حاج سید محمد سلطانی . کارزونی . میرزا حسین خان دادگر . کی استوان . میرزا مهدی خان زاهدی . میرزا زین العابدین رهنما . سلیمان میرزا .

دکتر آقایان . میرزا عبداله یاسانی . حاج میرزا رضادامغانی . میرزا احمدخان اخگر . میرزا عبدالجسین صدر . میرزا رضا خان حکمت . میرزا عبداله خان معتمد . حاج میرزا اسدالله خان کردستانی . آقا سید ابوالفتح . اسمعیل خان قشقائی . آقا شیخ جلال الدین . محمد شاه میرزا ناصر حیدرقلی میرزا حاشمی .

شیخ محمد علی الموتی . میرزا رضاخان افشار . آقا سید حسن اجاق . هایم . آقا سید کاظم یردی . شیخ محمد علی طهرانی . محمدولی میرزا فیروز . یحیی زنگنه . آقا سید ابراهیم ضیاء . میرزا باقر خان عظیمی . محمد تقی اسعد . حاج سید عبدالعلی طباطبائی .

رئیس - از قرار اطلاعی که بنده رسیده است گویا آقایان حاضر باشند برای انتخاب دو کمیسیون یکی کمیسیون خارجه و یکی کمیسیون عدلیه در ضمن دستور آقایان مشغول شوند بانتخاب قبلالزام است

دو نفر بقرعه برای نظارت واستخراج آراء معین شوند .

استقرا بعمل آمده آقایان سید یعقوب و میرزا سلیم خان ایزدی معین شدند

رئیس - آقایان ایزدی و آقا سید یعقوب تشریف ببرند بیرون . آقایان هم دو نفر برای انتخاب تشریف ببرند بیرون

زودتر هم مراجعت فرمایند خبر کمیسیون بودجه راجع باطلای قرضه های فلاحی مطرح است . شود در کلبان است

آقای طهرانی (اجازه)

شیروانی - بنده مقدم هستم رئیس - بلی بفرمایند

شیروانی - اگر چه آنوقت که این لایحه جزء دستور گذاشته شده است حالا مدتی طول کشید و یادداشت های بنده بعضی مفقود شده بعضی هم فراموش مملکت بنده حال بعضی یادداشت ها کرده ام

برض آقایان میرسانم

در موقعیکه این لایحه جزء دستور گذاشته شده بود بنده در خارج اظهار مخالفت کردم یکی از رفقای مسلکی ایراد کرد که بانك فلاحی یکی از مواد مرانامه ما است و اگر شما بخواهید باین لایحه مخالفت کنید در حقیقت باینکه از مواد مرانامه خودتان مخالفت کرده اید و برای اینکه سوء تفاهم هم مسلک محترم خود را رفع کنم عرض میکنم که در این لایحه اگر آقایان درست دقت فرموده باشند و فراموش فرموده باشند این لایحه تاسیس بانك فلاحی نیست .

این لایحه اجازه میدهد وزارت مالیه که بانك پولی که مطابق قانون استخدام و قانون بودجه اختصاص بانك خرج معین دارد و بهیچ وجه بقیه بنده هیچ مقامی صالح نیست که آن پول را بخرج دیگر بزند مگر اینکه مواد قانون استخدام را لغو کنند .

این پول که اختصاص بخرج کردن در بانك محل مخصوصی دارد این پول را میخواهند بین مالکین یا فلاحین یا کسانیکه اعتبار داشته باشند ملک خود را نزد دولت گرو بگذارند بین آنها تقسیم کنند آنهم بانظر امین مالیه محل . نظر امین مالیه محل راهم اغلب آقایان نمایندگان تشخص داده اند که چه شکل ممکن است نظر داشته باشند .

پس این تاسیس بانك فلاحی نیست بلکه تقسیم کردن پولی است بین عده از ملاکین بنابر این مخالفت بنده از همان نقطه نظر است که بنده معتقد دولت اگر توانست یک وقت یک عملی پیدا کند که بانك فلاحی تاسیس کند یکی از اشخاصیکه جداً موافق این فکر است از نقطه نظر مسلکی بنده هستم و بانك فلاحی هم البته یک مؤسسه بانگی است در تحت نظر دولت .

نظر ما هم که معتقد شدیم باین مرام این بود که چون ایرانی نمیتواند مخالف اصول مالکیت باشد از لحاظ مذهبی و از آن طرف هم فلاحین باید رعایا باشند یعنی پول املاک خودشان را بگیرند و کارخانجات در مملکت درست کنند بانك فلاحی تاسیس شود از طریق آن بانك زارعین پول ملک مالکین را بدهند و در واقع زارع و مالک یکی شود برای ترقی مملکت

این نظر اساسی ما بوده است از اول ولی این مسئله هیچ ربط باین موضوع ندارد و یک پولی میخواهند بین ملاکین تقسیم کنند

بنده اولاً نفهمیدم که یک مرتبه چه شد دولت یا بعضی از و کلاه باچه شخصی باین فکر افتاد

در این مملکتی که ما احتیاج بهزاران هزار اصلاحات داریم نمیدانم این فکر اصلاحی مبتکر از دماغ کی تراوش کرد که چهار صد و پنجاه هزار تومان پول ارباب تقاعد را که یک گوشه گذاشته شده باید خرجش کرد

اصلاً این رمان نفهمیدم که این فکر از دماغ کی بیرون آمده است امروز صورت بانك لایحه قانونی بخود گرفته و بمجلس آمده است زیرا ما برای اصلاحات مملکت بانك مرحل خیلی زیاده داریم که شاید این امر (که یک پولی کاری را باین ترتیب خرج کنیم) در درجه هزارم اصلاحات باشد .

در صورتیکه مایک کارهای خیلی لازم ترو مهم تری در پیش داریم و حقیقه اگر اگر دولت یا بعضی از آقایان و کلا که موافقت این پول بی کار باین مصرف برسد و بانك فلسفه هائی هم در مقابل اظهار میکنند بخوانند این پول را باین مصرف اساسی و صحیحی برسانند هزار کار بر جسته ممکن است در این مملکت باین پول بکنند که عایدش هم بقیه بنده پشت سرش باشد و هیچ اسباب زحمت هم نباشد بلکه خیلی خوب هم هست من جمله بستن سداهاوز

سداهاوز چیز است که از اول مشروطیت هم مذاکره میشد که باید اینکار را کرد و در حدود سیصد چهار صد هزار تومان الی یک کرور هم بیشتر خرج ندارد و ما اگر باین اقدام دست بزنیم قطعه خوزستان را آباد کرده ایم و قطعاً خوزستان قطعه ایست که از قدیم الایام بواسطه وجود همین سدیک قطعه زر خیزی بوده و حالا با بستن این سد ما استفاده خواهیم کرد و شاید صادرات ما دو برابر بشود

حالا اگر بنده بخواهم در اطراف بستن سداهاوز در این جا مذاکره بکنم شاید اوقات مجلس تضييع شود و علاوه محتاج هم نیست زیرا آقایان همه میدانند که این مسئله بعد از راه واستخراج یکی دو فقره معادن یکی از کارهای اساسی و در درجه دوم است

در حال بستن سدهای مملکت و جلوگیری از آبهای که بی مصرف بندریا میریزند یکی از کارهای اصلاحیست که باید در درجه سوم اصلاحات اینها را محسوب داشت معذرت این امر باین همی را که در درجه سوم است گذاشته و بی کار میگذارد درجه هزارم اصلاحات واقع است چنانکه بانك وقتی در همین مجلس هم مذاکره بود که اگر برای بستن سد کارون یک اقدامی شود و آب کوه رنك باصفهان آورده شود خیلی نافع خواهد بود و صحبت در این بود که پولش را از کجا باید پیدا کنیم

یکی از آقایان و کلا در همان موقع اظهار کردند که بهترین محل برای انجام این مقصود همین پولی است که از صندوق تقاعد دولت میشود باین معنی که ممکنست این پول را ما از ارباب تقاعد برای مدت یکی دو سال قرض کنیم و آن را بصرف بستن سد کوه رنك رسانند و وقتی که آب کوه رنك باصفهان آمد تمام رعایا و ملاکین اصفهان حاضر خواهند بود که این پول را دو برابر تقسیم دولت کنند هم پول بجای خودش خواهد بود هم بانك امر همی اقدام شده است

باین ترتیب بانك کار تاریخی که از زمان سلطنت شاه عباس تا بحال هیچکس پیدا نشده است صورت دهد خانه داده خواهد شد

هر کس اسما از وضعیت خشکسالی ایران مخصوصاً اصفهان اطلاع دارد و همه میدانند که آوردن آب کوه رنك بشهر اصفهان یکی از کارهای بسیار خوب و تاریخی است که تقریباً بانك میلیون پول ممکنست انجام این امر را صورت داد و آب را بشهر آورد و آنوقت همه حاضرند این یواراد و برابر بولت بدهند و شهر اصفهان و توابع هم آباد شود

حالا که ما میخواهیم محلی برای این پول عجلاله پیدا کنیم آیا بهتر نیست که به این مصرف برسانیم که تا اینکه بیاییم و این پول را هزار تومان و دوهزار تومان بین این و آن بخش کنیم

البته ملاحظه فرموده اید که در این مملکت مردم و تجار وقتیکه پولی باشناس میدهند نمیتوانند پس بگیرند آنوقت دولت بطور میتواند چهار هزار تومان را بین یک عده تقسیم کند و دوباره پس بگیرد آنهم با این ترتیبی که در این جا ذکر شده است

اگر در کنگه جریان ادارات ما مخصوصاً وزارت مالیه درست دقت شود مبینیم در کارهایشان هنوز درست موفقیت پیدا نکرده اند که بتوانند عایدات و مطالبات را وصول کنند

مسئله بانك ایران بهترین نمونه معاملات وزارت مالیه است یک بانکی با سرمایه و مطالبات زیاد و دفاتر منظم که چند نفر بانکی و متخصصین خارجه آنرا اداره میکردند همینکه تحویل شد عایداتش معلوم نشد چه شد بزمن فرورفت

حالا که میخواهند کلک این پول را بکنند چنانچه عرض شد بانك کارهای اساسی مهم که در درجه اول و اقامت اقدام کنند نه بانك چیزی که در درجه هزارم واقع است بنده عقیده ام اینست کسیکه این فکر اینکاری برایش پیدا شده اگر بهمان اندازه که دماغ خودش را زحمت داده و یک چنین فکر مهم جدیدی را ایجاد کرده دوسه شب زحمت بخودش میداد و یک طریق حلی برای بهبودی وضعیت امروزه زارعین و مالکین بیدامی کرد و برای تأمین ارزاق اهالی طهران یک فکری میکرد خیلی بهتر بود

بنده گمان میکنم پیدا کردن راه حل هم خیلی آسان است و حتی یک نفر تاجر میتواند داخل را پیدا کند

در عرض همه مرحمت هائی که میخواهند برای اصلاح امروز زراعت بکنند خوبست لطفاً بگذارند امسال زارع بندر را زیر خاک کرده و زراعت خودش را بیابان برسانند

بنده الان همین جا یک چیزی فکر

کردم و آن این است که حساب کنند از امروز تا سرخرمن آتیه شهر طهران چند من نان لازم دارد و این کسرتان طهران را با این پول از مملکت خارجه بخرند و وزارت طهران کنند و از این راه کسرتان طهران را تامین کنند و بگذارند بزرگوارت سایر نقاط مملکت سکه و وارث و بگذارند زارعین بکار خودشان مشغول باشند

بنده میدانم که هر کدام از آقایان چند تلگراف در حبشیه هست که ما مورین مالیه و ارزاق با مردم چه میکنند و در حله جلوی زراعت مردم را گرفته اند و انبار مردم را توقیف کرده و نمیگذارند مردم زراعت بکنند

این فکر را برای مردم بکنند نه این که یک پولی را بچند نفر بدهند و بهدم معلوم نباشد که میتواند بگیرد یا نه

این راه اصلاح زراعت و مملکت نیست . اگر واقعا میخواهید زراعت را اصلاح کنید راه حل خیلی است و خیلی کار های اساسی دیگر هست که خیلی مفید تر است باین ترتیب زراعت ایران اصلاح نمی شود

بنده میگویم اگر این چهار صد و پنجاه هزار تومان بی کار و بی صاحب افتاده و لازم است بکار زراعتی زده شود خوبست باین کارهاییکه بنده عرض میکنم زده شود یک تکر جلدی تازه گی در این مملکت پیدا شده است و آن این است که ما باید بیل و کلک و ابزار زراعتی خودمان را کنار بگذاریم و بجای آن ماشین آلات از خارجه بیاوریم این خیلی خوب فکر است ولی باین طریقی که شروع عمل شده بقیه بنده یک فکر سطحی است و اگر دولت اهالی مملکت که شغلشان زراعت است آلات و ادوات بکشند چنانچه عرض شد بانك کارهای اساسی مهم که در درجه اول و اقامت اقدام کنند نه بانك چیزی که در درجه هزارم واقع است بنده عقیده ام اینست کسیکه این فکر اینکاری برایش پیدا شده اگر بهمان اندازه که دماغ خودش را زحمت داده و یک چنین فکر مهم جدیدی را ایجاد کرده دوسه شب زحمت بخودش میداد و یک طریق حلی برای بهبودی وضعیت امروزه زارعین و مالکین بیدامی کرد و برای تأمین ارزاق اهالی طهران یک فکری میکرد خیلی بهتر بود

بنده گمان میکنم پیدا کردن راه حل هم خیلی آسان است و حتی یک نفر تاجر میتواند داخل را پیدا کند

در عرض همه مرحمت هائی که میخواهند برای اصلاح امروز زراعت بکنند خوبست لطفاً بگذارند امسال زارع بندر را زیر خاک کرده و زراعت خودش را بیابان برسانند

بنده الان همین جا یک چیزی فکر از خارجه بخریم برای هر تیکه آهنی که



يك تومان پول می دهیم باید ۲۰ تومان بدهیم .  
 حالا که ۴۰۰ هوار تومان پول بی - صاحب داریم بهتر این است يك كارخانه آهنگری فقط برای ساختن وتعمیر ادوات فلاحی از خارج وارد کنیم .  
 وارد کردن همچو كارخانه خیلی ارزان هم هست و ممکن است با این پول ما دو كارخانه آهنگری یکی برای این سر مملکت و یکی هم برای آتسز مملکت وارد کنیم و اگر این کار را کنیم معینده بنده بزرگترین اصلاحات را در مملکت کرده ایم و بجای اینکه مقدار زیادی سالیانه پول برای خرید لوازم زراعتی و فلاحی بخارجه بفرستیم كارخانه می آوریم و متخصص می آوریم و ماشین آلات را خودمان در این جا می - سازیم .  
 پس معلوم می شود که مقصود از این لایحه اصلاح امر زراعت نیست بلکه مقصود این است که يك پولی را بین يك عده تقسیم کنیم .  
 ممکن است يك عده از آقایان هم رأی بدهند که این پول ارباب تقاعد را بین يك عده تقسیم کنند .  
 ولی بنده مخالفم بعلاوه قانون بودجه که نوشته می شود :  
 برای خرج هر پولی يك محل معینی در بودجه برایش پیش بینی میکنند .  
 بنده مخصوصاً از آقای معاون وزارت مایه سوال میکنم که ببنده نشان بدهند کدام ماده از قوانین موضوعه راجع مجوزی بها اجازه می دهند که پول يك عده مستخدمینی که در نتیجه خدمت بدولت پیر و فرتوت میشوند ورثه پیدا میکنند و بالاخره متقاعد میشوند و از حقوق خودشان دولت صدینچ یا صد هفت یا صد بیست و سه برمی دارد که بعد از ۲۰ سال خدمت بخودشان یا اولادشان بدهند . تا از گرسنگی نبرند آن وقت بچه مجوز این پول آنها را بیک اشخاص دیگری می دهیم .  
 بنده خیال میکنم مجلس هم نمیتواند همچو قانونی وضع کند پولی که مال دیگری است و باید در يك جایی برای آنها ذخیره شود تا بعد از مدتی بخودشان مسترد شود آن وقت بیک اشخاص دیگری داده شود .  
 قانون استخدام همچو قرارداد داده که بیک تناسبی يك پولی از مستخدم دولت کسر شود در صندوق تقاعد ضبط شود و پس از مدتی که برسد با بدهند بخودشان تا از گرسنگی نبرد .  
 الان شما می خواهید این پولی که دارد تهیه میشود بوجوب يك ماده قانون بردارید و بیک اشخاص دیگری بدهید .  
 بنده تصور میکنم هیچ مجوزی در این جا ما این حق را ندهیم .  
 بنده عرض میکنم اگر این ترتیب شود ارباب تقاعد باید برنورند و بخوابند و دیگر

حقوق تقاعد و حقوق خواهد شد و هر وقت که از دولت در همین مجلس سؤال شود که آقا برای چه حقوق تقاعد فلان عضو یا فلان مستخدم را نداد اید ؟  
 جواب خواهد داد که شما خودتان قانون گذاریدید که فلان عده داده شود دولت هنوز این پول را پس نگرفته و محل دیگری هم نداریم که بار باب تقاعد بدهیم آنوقت بنده چه جواب عرض کنم .  
 زیرا این قانونی است که خودم باورای داده ام .  
 جواب است يك مجوزی به ایشان بدهند که بوجوب آن حق داشته باشند که این پول را که محل معینی دارد بعمل دیگری برسانند و يك عده لوطی خور کنند !!  
 بنده مخصوصاً موادی در این لایحه چند روز پیش دیده ام مطالعه کردم و بطور فارسی و ساده عرض میکنم که همین موارد اجازه می دهد این پول لوطی خور شود .  
 معاون وزارت مایه فرمایشات آقای شیروانی در مقدمه از باب اینکه تصور میشود منظور دولت این است که يك بانك فلاحی تأسیس نماید و يك همچو ترتیبی که اختیار شده است کفایت از مقصود نمیکند .  
 بنده در جوابشان عرض میکنم که مقصود دولت تأسیس بانك فلاحی نیست البته خیلی اسباب خوشوقتیست ازین تذکری که نماینده محترم می دهند ازین که بانك فلاحی محل احتیاج است و باید در مملکت باشد شاید هم همین تذکرو تشویقات سبب شود که دولت تدریجاً در صدر باشد که این نظریه را تأمین کنند یعنی موقعی که اسبابش موجود شود دولت بانك فلاحی تأسیس کند .  
 ولی علی العجابه این مبلغی که در نظر گرفته شد يك مبلغی نیست که وقتاً کند برای يك همچو مصرفی مثل تأسیس بانك فلاحی .  
 گذشته از اینکه بانك فلاحی يك شرایط و مقرراتی باید داشته باشد که این موادی که در این لایحه نوشته شده است برای آن مسئله خیلی ناقص است و امیدوارم در فاصله نزدیکی مقدمات تأسیس بانك فلاحی تهیه و تقدیم همین مجلس بشود و گفته شود که ایجاد بانك فلاحی اسبابش فراهم شده است لیکن علی العجابه مقصود اینست که يك اصلاحی در امر زراعت بانداره که مقدر دولتست بشود .  
 البته اصلاح امر زراعت را هیچ نمی شود تردید کرد که لازمت و منکر هم نخواهیم بود برای اینکه در واقع اول کار است در مملکت و مواد اولیه است در زندگانی و بهر اندازه که امر زراعت و فلاحت پیشرفت و توسعه پیدا کند واضح است که سایر مسائل اقتصادی ما در دنیای آن اصلاح

خواهد شد .  
 بنابراین البته مجلس و دولت سعی خواهند داشت باینکه امر زراعت را با سرمایه قبلی که فعلاً در دست دارد بقدری بسور و هر قدر بتوانند يك توسعه بدهند .  
 اما اینکه فرمودند این سرمایه و این عمل از محل وجوه تقاعد می شود با فرض اینکه حقوق تقاعد از بین میرود .  
 این يك مسئله است که بنده تصور میکنم خوب توجه نشده است با اساس مطلب و مواد این لایحه قانون استخدام مخصوصاً قید کرده است که وجود تقاعد هیچ خرجی نباید برسد .  
 بنده باید عرض کنم که این لایحه عبارت از خرج نیست . این لایحه عبارت است از يك عملی که دولت بوسیله سازاد وجوه تقاعدی که در صندوق تقاعد موجود شده برای اصلاح يك امری میکند و باز بعد از مدتی عین این وجوه را برمیگرداند به صندوق یعنی از زمانی که دولت بخواهد از وجوه تقاعد با این شرایطی که در این لایحه ذکر شده است و به تصویب مجلس برسد تا موقعی که این وجوه تقاعد بصندوق برگردد موردی پیدا نخواهد شد که هر گاه یکی از اعضاء دولت مستحق اخذ حقوق تقاعد باشد پول برای آنها نباشد و در موقعی که باید وجوه تقاعد با اعضاء متقاعد داده شود از صندوق داده میشود .  
 آنچه در اینجا در نظر گرفته شده است در واقع عبارت است از يك مبلغی که ما فرض کنیم علی العجابه محل احتیاج نیست یعنی مقصودمان اینست که میتوانیم هم صندوق تقاعد را نگاه داریم هم از مبلغی که اضافه است و محل احتیاج نیست با اجازه داشتن بدست زدن بآن بمصرف برسانیم بدیعی است که بکنفر مستخدم دولت را که چندین سال خدمت کرده و عمری را بپایان رسانیده و بوجوب قانون متقاعد شده است و معاش او هم منحصر به همان حقوق تقاعد است که باید باز داده شود همچو در نظر گرفته نشده است که باو گفته شود این پول شما داده شده است مثلاً برای خرید ماشین در ولایت .  
 البته نظریه اینست که آنچه را که تصور میشود محل احتیاج نباشد از صندوق تقاعد باین مصرف برسد .  
 بنابراین بنده هیچ اشکالی نمی بینم در اینکه از وجوه تقاعد ما بتوانیم آن مبلغی را که برای این مصرف بنظر رسیده است صرف کنیم و اگر فرض کنیم که می شود همین وجوه تقاعد را بمصارف بهتری رساند (چنانکه اشاره فرمودند) از قبیل ساختن مجاری آبها یا بسن يك سد مثل سد اهواز که بالنتیجه يك اصلاحی در امر فلاحت و زراعت میکند این البته خوبست و واقعاً خوب فکری است و باید تشخیص داد که بچه مصرف اگر برسد نتیجه اش زودتر

عاید میشود .  
 ولی این منظور آقا با این منظوری که ما داریم تفاوت دارد و تفاوت آن این است که بعضی مصارف هست که يك مغایر است و حالیه رعیت را باید کرد اتفاقاً همین لایحه پیشنهادی عبارتست از يك مقدار از همان فکر اصلاحی که باید بحالت حالیه رعیت شود .  
 اگر اتفاقاً امروز که مسئله ارزاق و مسئله جمع آوری جنس و حمل و نقل از نقطه بنقطه دیگر قدری در بعضی جاها مشکل بوده و در بعضی جاها آسان و شاید هم يك ماموری در يك جایی بوده است که اتفاق افتاده که ما ایننی از عهده وظائف خودش بر نیامده بهتر اینست که اینرا دلیل کلی در مجمع امور قرار ندهیم .  
 آقایان بهتر میدانند که اوضاع جنس و فلاحت و ولایت و جلو گیری از میان رفتن يك قسمتی از اراضی و نواحی فلاحی است که اگر امروز در واقع اقدام باین امر نشود آن چیزی که در آتیه ما شاید با میلیونها نتوانیم اصلاحش کنیم امروز از بین خواهد رفت .  
 اینست که دولت هم از نقطه نظر صلاح و صرفه جوئی و هم از نقطه نظر آسایش و رفاه حال خصوصی رعایا و بذرا که اینکه غالباً در نظر گرفته بود اکنون هم می دارد و کوشش خواهند نمود که در این امر اصلاحاتی ایجاد کنند .  
 همچنین راجع بکوه دنك و مصارفی که باید برای بدست آوردن آب آجا شود البته از انفع مسائل است و یکی از کارها نیست که يك قسمتی از اصفهان را یعنی زراعت آنها را يك اصلاح خوبی خواهند نمود ولیکن از برای آب کوه دنك يك قانونی از مجلس گذشته است و وزارت مایه هم يك ترتیبی تصویب شده است و دولت نموده است که چگونه میتوانند آن افساطرا بدهند و اینها يك جزئیات است که مدتی وقت مجلس و دولت را مصرف داشته و تقریباً روی يك پایه گذاشته شده است .  
 گذشته از این که اهالی اصفهان پیش از سایر نقاط میل بزراعت دارند و سرمایه دار هم در آنجا زیاد پیدا می شود و آماده هستند که همینقدر که این کار بدست عمل افتاد کمکهای بکنند که این کار بشود در واقع یکی از مسائل است که شاید صدی بیست آن بوقوع عمل آمده است و انشاء الله تمام هم خواهد شد .  
 ولی اصلاح حال بعضی از نقاط و رعایا و مالکینی که بکلی فاقد هستی شده اند چیزیست که اگر بقدرت نشود از میان خواهند رفت گذشته از آن صرف نظر از این اصلاح موقتی که دولت در نظر گرفته است مسائلست که میتواند کمک نام دائمی بکنند زراعت و فلاحت و امور اقتصاد يك چیزهاییست که وزارت مایه و وزارت

نوادع عامه در نظر گرفته اند  
 که انشاء الله بتدریج با سرمایه کافی باید شروع کنند نسبت استقامتی که عموماً در دست است و اینکه میفرمایند فکری زراعت و حالت حالیه رعیت را باید کرد اتفاقاً همین لایحه پیشنهادی عبارتست از يك مقدار از همان فکر اصلاحی که باید بحالت حالیه رعیت شود .  
 اگر اتفاقاً امروز که مسئله ارزاق و مسئله جمع آوری جنس و حمل و نقل از نقطه بنقطه دیگر قدری در بعضی جاها مشکل بوده و در بعضی جاها آسان و شاید هم يك ماموری در يك جایی بوده است که اتفاق افتاده که ما ایننی از عهده وظائف خودش بر نیامده بهتر اینست که اینرا دلیل کلی در مجمع امور قرار ندهیم .  
 آقایان بهتر میدانند که اوضاع جنس و فلاحت و ولایت و جلو گیری از میان رفتن يك قسمتی از اراضی و نواحی فلاحی است که اگر امروز در واقع اقدام باین امر نشود آن چیزی که در آتیه ما شاید با میلیونها نتوانیم اصلاحش کنیم امروز از بین خواهد رفت .  
 اینست که دولت هم از نقطه نظر صلاح و صرفه جوئی و هم از نقطه نظر آسایش و رفاه حال خصوصی رعایا و بذرا که اینکه غالباً در نظر گرفته بود اکنون هم می دارد و کوشش خواهند نمود که در این امر اصلاحاتی ایجاد کنند .  
 همچنین راجع بکوه دنك و مصارفی که باید برای بدست آوردن آب آجا شود البته از انفع مسائل است و یکی از کارها نیست که يك قسمتی از اصفهان را یعنی زراعت آنها را يك اصلاح خوبی خواهند نمود ولیکن از برای آب کوه دنك يك قانونی از مجلس گذشته است و وزارت مایه هم يك ترتیبی تصویب شده است و دولت نموده است که چگونه میتوانند آن افساطرا بدهند و اینها يك جزئیات است که مدتی وقت مجلس و دولت را مصرف داشته و تقریباً روی يك پایه گذاشته شده است .  
 گذشته از این که اهالی اصفهان پیش از سایر نقاط میل بزراعت دارند و سرمایه دار هم در آنجا زیاد پیدا می شود و آماده هستند که همینقدر که این کار بدست عمل افتاد کمکهای بکنند که این کار بشود در واقع یکی از مسائل است که شاید صدی بیست آن بوقوع عمل آمده است و انشاء الله تمام هم خواهد شد .  
 ولی اصلاح حال بعضی از نقاط و رعایا و مالکینی که بکلی فاقد هستی شده اند چیزیست که اگر بقدرت نشود از میان خواهند رفت گذشته از آن صرف نظر از این اصلاح موقتی که دولت در نظر گرفته است مسائلست که میتواند کمک نام دائمی بکنند زراعت و فلاحت و امور اقتصاد يك چیزهاییست که وزارت مایه و وزارت

آنچه بمصرف میرسد از آن مقدار جو بیست که علی العجابه محل احتیاج نباشد و برای دادن و گرفتن این وجوه هم تصور میکنم اگر يك مراجعه بودادی کرد این جاز کر شده بفرمایند خواهند فهمید که يك دینار از این وجوه از بین نمیرود و تماماً برمی گردد بصندوق تقاعد و ضمناً هم کاشایشی برای اشخاصی که در مشیبه سرمایه و امور شخصی واقفند میشود .  
 لغا تصور میکنم از لویچیک هم میتوانست تسهیل کند امورات دولت را نسبت بامر زراعت و مالیات و هم آسایش بدهد و نگهداری بکنند از اهالی همین لایحه باشد .  
 رئیس - آقای آقا ضیاء مخالفید  
 آقا ضیاء - بلی  
 رئیس - بفرمائید  
 ضیاء - بنده با اساس لایحه موافق هستم ولی فقط در تنظیم و طرز عبارت ماده دو هفت نظری دارم که در ضمن شور در مواد پیشنهاد خواهم کرد که از دستور خارج شود  
 رئیس - پس مورد ندارد  
 ضیاء - در ضمن کلیات ممکنست گفته شود ولی بنده نمیخواهم اص این مذاکرات طرح شود و تذکر میدهم خاطر مبارک آقایان نمایندگان را که مطالعه بفرمایند تا در ضمن شور در مواد اصلاح شود  
 رئیس - آقای اخگر (اجازه)  
 اخگر - بنده موافقم  
 رئیس - بفرمائید  
 بعضی از نمایندگان - ایشان مخالفت نکردند  
 اخگر - ایشان بعنوان مخالف که حرف زدند خواه کم حرف زده باشند یا زیاد فرق نمیکند  
 بنده توضیحاً عرض میکنم که در سال گذشته بنده يك پیشنهاد کرده بودم که برای رعایت امور زراعتی و فلاحی يك كروز تومان از طرف دولت به فلاحت سنی مأمورین مخصوص هم فرستاده شد و تاكید شده که مقدار بذر و مقدار خوراك محل را در خود محل بگذارند و مازاد آنرا حمل کنند  
 از نقطه بنقطه دیگر و صرف نظر از این مسائل امیدوار هستم در ظرف همین ایام این سختی هم که بنظر می آید نسبت به صاحبان جنس و مالکینی عمل شده است انشاء الله تمام بشود و آسایش تامی از حیث ارزاق چه برای تهران و چه برای سایر نقاط فراهم شود  
 بطور کلی منظور بنده این بود که خاطر نمایندگان محترم را مستحضر بدارم از این که وجوه صندوق تقاعد بدون رعیت اینکه اعضاء متقاعد و مستخدمین متقاعد مملکت حقوق خودشان را در موقع اخذ کنند بچه مصرفی نخواهد رسید و

با گامی میری که یارسال در این مملکت اتفاق افتاده و شاید امسال هم يك قدری در بعضی جاها این مرض اثرش را دارد ابراز میکنم آقایان سابقه دارند و با ارسال در موقع برداشت محصول مشاهده فرمودند که هیچ چیز گیر زارع نیامد و امسال هم زمینیه که زارع بتواند خودشرا نگاهداری نماید و ادامه بجایش بدهد نیست .  
 بنده تعجب میکنم چطور آقایان مخالفت می کنند و يك پولی که عموماً بچیز مصرف ندارد و بیکار ماند این پول را بلامصرف بگذارند و ندهند بزارعین که هم ادامه بزند گمانی شان بدهند و هم بتوانند کار کنند که سال دیگر وضعیت ارزاق باین سختی نباشد .  
 اساساً باید فهمید که چرا آقایان نمایندگان ولایات شکایات دارند . بنده عرض می کنم برای اینست که میخواهند جنس را از آن نقاط حمل بطن این نمایند برای اینکه امسال جنس در طهران حمل نیامده است و امسال هم اگر بناشود که وسائل زراعت بدست زارعین و فلاحتین داده نشود سال دیگر وضعیت نان البته بدتر از این خواهد شد .  
 اگر لازم است باین شکایات خاتمه داده شود راه عملیش اینست که این پول بیکاری که در اینجا هست و مورد احتیاج نیست بدهند بزارعین که آنها بتوانند وسایلی در محل احتیاج و زراعتشان است تهیه کنند و کار کنند و برای اینکه سال دیگر بمانان بدهند .  
 آقای شیروانی فرمودند کار مهم خیلی است چطور شده بین اینکارهای مهم اینکار انتخاب شده .  
 بنده عرض میکنم هر وقت بطرف هر اصلاحی بخواهیم تمم بکناریم خواهند گفت کار مهمتر از اینهم هست .  
 همین کار مهمی را هم که خود آقای شیروانی میفرمایند اگر بناشود بصورت لایحه توی مجلس آمد باز بیکر دیگر برمیخورد و میگوید کار مهمتر از اینهم هست بالاخره باید اینکارهای مهم را انجام داد یا نه ؟ چه کاری مهمتر است از اینکه حیات زارعین و فلاحتین که باید از دسترنج و زحمت خودشان بدیگران نان بدهند تا این شود ؟  
 وقتی که بناشود زراعت بد شود هم زارع و فلاح در زمینند و هم اینکه بطور غیر مستقیم این زحمت بتمام مردم و سایر اصناف وارد می شود و این پولی که گذاشته شده است در صندوق تقاعد برای اینست که اگر يك روزی یکی از اعضاء ادارات رسید بجد تقاعد يك پولی از این صندوق بکش بدهند و وسایلی برای کار کردن نداشته باشند نمیتوانند کار کنند و وقتی که کار نکردند چیزی عاید آنها نمی شود که خودشان بتوانند زندگی کنند چه رسد باینکه بوسیله دست رنج آنها سایرین بتوانند معاش کنند .  
 رئیس - آقای ضیاء مخالفید  
 ضیاء - در ضمن کلیات ممکنست گفته شود ولی بنده نمیخواهم اص این مذاکرات طرح شود و تذکر میدهم خاطر مبارک آقایان نمایندگان را که مطالعه بفرمایند تا در ضمن شور در مواد اصلاح شود  
 رئیس - آقای اخگر (اجازه)  
 اخگر - بنده موافقم  
 رئیس - بفرمائید  
 بعضی از نمایندگان - ایشان مخالفت نکردند  
 اخگر - ایشان بعنوان مخالف که حرف زدند خواه کم حرف زده باشند یا زیاد فرق نمیکند  
 بنده توضیحاً عرض میکنم که در سال گذشته بنده يك پیشنهاد کرده بودم که برای رعایت امور زراعتی و فلاحی يك كروز تومان از طرف دولت به فلاحت سنی مأمورین مخصوص هم فرستاده شد و تاكید شده که مقدار بذر و مقدار خوراك محل را در خود محل بگذارند و مازاد آنرا حمل کنند  
 از نقطه بنقطه دیگر و صرف نظر از این مسائل امیدوار هستم در ظرف همین ایام این سختی هم که بنظر می آید نسبت به صاحبان جنس و مالکینی عمل شده است انشاء الله تمام بشود و آسایش تامی از حیث ارزاق چه برای تهران و چه برای سایر نقاط فراهم شود  
 بطور کلی منظور بنده این بود که خاطر نمایندگان محترم را مستحضر بدارم از این که وجوه صندوق تقاعد بدون رعیت اینکه اعضاء متقاعد و مستخدمین متقاعد مملکت حقوق خودشان را در موقع اخذ کنند بچه مصرفی نخواهد رسید و

شده است مازاد احتیاجی است که شاید پیش بیاید .  
 بنابراین چرا يك پولی باین ترتیب بیکار بماند و بفلاح و زراع داده نشود که دوباره پس بگیرند و بگذارند سرچایش ؟  
 يك فرمایشی آقای شیروانی فرمودند که بد نیست بنده اینجا عرض کنم .  
 بنده یادم هست که همیشه آقای شیروانی راجع باجافات مأمورین مایه شکایات می فرمودند که وزارت مایه همیشه زیادتر از حد مالیات از مردم میگردد ولی حالا می فرمایند مایه نمی تواند پولش را از مردم پس بگیرد .  
 چطور می شود وزارت مایه با وسایط و شرایطی که در اینجا ذکر شده است و آقایان مطالعه می فرمایند نتوانند پول خودش را پس بگیرد ؟  
 البته بیک اشخاصی پول خواهند داد که بتوانند از شان پس بگیرند . در این قسمت گمان می کنم خود آقای مساون وزارت مایه تمهید بفرمایند که بتوانند پس بگیرند و هیچ تشویشی هم در بین نباشد پس بهتر اینست يك پول بیکاری که حالا داریم بدهیم بیک مردمی که گاو بخرند و زراعت کنند و در سال دیگر نان باهل این مملکت بدهند . در این صورت تصور می کنم مخالفت با این لایحه موردی نداشته باشد .  
 رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)  
 شریعت زاده - موافقم  
 رئیس - آقای دست غیب  
 دست غیب - موافقم  
 دامغانی - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم رئیس - نسبت بمواد اجازه شما مقدم است .  
 (جمعی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)  
 کازرونی - اجازه می فرمائید بنده مخالفم مذاکرات هم کافی نیست ؟  
 رئیس - عهده برای رای گرفتن کافی نیست کازرونی - پس اجازه بفرمائید بنده مخالفم .  
 رئیس - مخالفید بفرمائید کازرونی - بنده داشتم فکر میکردم که وزارت جلیله مایه را چه چیز وادار کرده که این لایحه را پیشنهاد بکنند .  
 بعد از فکر زیاد چیزی که بخیرام رسید این بود که علت کمی نان و آن تضییقاتی که فعلاً موجود است و در ضمن صدائی از ولایات در اثر تضییقات مأمورین مایه بلند است بوده و برای جبران آن تضییقات بوده است که ایجاد نموده يك همچو لایحه بمجلس بیاورند برای اینکه بپردازند که تضییقاتی چنانچه از طرف وزارت مایه يك تضییقاتی اعمال میشود بوضع در مقابل هم يك کارهای

خوبی بفرمایش آقای اخگر میکنند . . .  
اخگر - همبطور هم هست  
کازرونی - که يك مرتبه مملکت را  
احباء نماید و بنده تصور میکنم اصل و  
منشأ فکر تقدیم این لایحه این بوده که  
بعرض آقایان رساندم .

لیکن متأسفانه قطعاً این لایحه نه  
برای زارعین فایده دارد و نه برای  
ملاکین زیرا اگر بنا بشود (يك ملاک عادی  
که برای پس دادن پول حاضر باشد)  
نه مثل مدیونین بانک دولتی . چنانکه خودمان  
اطلاع داریم که هر کدامشان برای ندادن  
پول چه وسائلی تهیه کرده و میکنند اینها  
را استثناء کنید .

آنهاستیکه قطعاً خیال داشته باشند  
پول را بدهند هیچ وقت نمی آیند . چو  
قرضی بکنند که يك ملک داشته باشند  
هزار تومان و این ملک را بهزار تومان رهنی  
بگذارند و اگر چنانچه مدتش هم منقضی  
شد ملک را از دست آنها قبضه کنند و بعد  
خودشان بفروشند . هیچ مالکی همچو کاری  
نمیکند .

مگر دیوانه باشد و اگر دیوانه باشد که  
معامله شخصی شرعاً عرفاً جائز نیست  
دست غیبی اینطور نیست

کازرونی - اجازه بفرمائید . قربانت  
بروم استدعا میکنم بعد فرمایشاتنا بفرمائید  
بنده هم استفاده میکنم اگر يك کسی همچو  
ملکی داشته باشد و باین ترتیب بخواهد  
رهنی بگذارد پول دهنده بسیار است یعنی  
يك ملک داشته باشد سه هزار تومان قیمتش  
باشد و بخواهد باین شرط بگذارد و تنزیلش  
را هم بدهد پول دهنده خیلی زیاد است هم  
خودش آدم عادی است و هم طرف مکرر  
اتفاق افتاده که یکی دو سال هم از مدتش  
گذشته معذک پولش را داده و ملک  
خودش را پس گرفته و هیچ چیز هم واقع  
نشده

بنا بر این بکنفر آدم عادی هیچوقت  
نمی آید يك همچو پولی ترض کند برای  
اینطور مردم که فایده ندارد و بکارشان نمیخورد  
پس برای کی خوبست ؟  
حالا بنده نمیتوانم اشخاص را معرفی  
کنم که از این پول میتوانند استفاده کنند  
یا نه ؟

همین قدر بطور کلی میدانم از مقوله  
همان اشخاص هستند که مدیون بانک دولتی  
هستند که مدتی است اصل و فرع پول از بین  
رفته و بانک توانسته است از آنها چیزی  
بگیرد و حال آنکه يك معامله تجارتي عادی  
است .

آقای معاون وزارت مالیه فرمودند  
این وجه کافی برای بانک فلاحتی نیست ولیکن  
علی الحساب برای قرض دادن بیک عده مردم  
بد نیست که بروند مشغول فلاح و وزارت  
باشوند و در نتیجه اسباب توسعه زراعت  
شود .

بنده عرض میکنم بیچارگی مردم تنها  
از این نیست که پول ندارند زراعت کنند  
بلکه بواسطه این است که بذیشان گرفته  
میشود و ملکشان را با اسم اینکه خالصه  
است ضبط میکنند و بواسطه تصبقاتی است  
که در موقع اخذ مالیات نسبت به آنها میشود  
که خانه ولانه خود را میگذارند و فرار  
می کنند .

اگر وضع اینطور باشد که بنده عرض  
میکم هیچ زارهی جرئت اقدام بزراعت را  
ندارد شخص زارع بعد از اینکه حاصلش را  
برداشت و مالک حاصلش نبود دیگر بچه امید  
می آید زراعت کند

زیر آنه مالک تعیین قیمت جنسش است  
است که خودش تعیین بکند و نه مالک  
فروش و نقل و انتقالش است بلکه تمامش  
ضبط میشود

این است اسباب بدبختی ما از حیث  
فلاح و زراعت والا این مملکت همان  
مملکتی است که همیشه زراعت و فلاح  
داشته و در هر صورت در صورتی که امروزه  
مایول جهت بانک نداشته باشیم با این مبلغ  
جزئی سزاوار نیست ما بیاییم و يك اداره  
در مالیه برای اینکار ترتیب بدهیم و يك  
اشخاصی وثبت و ضابطهائی استخدام کنیم و  
يك قبائلی بدست بیاوریم که به بینیم  
کیست که يك ملک دارد که هزار تومان  
قیمتش است و می آورد رهن میگذارد  
بهزار تومان

بنده این ترتیب را فوق العاده بیفائده  
میدانم و هیچ نتیجه هم نخواهد داشت و  
همانطور که رفیق محترم من آقای شیروانی  
اظهار کردند اگر حقیقتاً وزارت مالیه در  
نظر دارد که این پول معطل را بجای لازمی  
مصرف کند خوب است صرف يك چیز  
اساسی بکند که خودش هم متصدی وضامن  
او باشد و متضمن نفع عمومی هم باشد يك  
همچو مجلسی را در نظر بگیرد و این پول را در  
آنجا خرج بکند

لیکن وارد معامله و داد و ستد و بیع و  
شری و ربح و سود و این قبیل چیز ها شدن  
اصلاً کار دولت نیست اینکارها یا کار بانک  
است یا کار مردمان عادی دولت چه کار  
دارد باین کارها علاوه يك چیز غریبی هم در  
این لایحه دیدم

دولت در ضمن لایحه که تقدیم میکند  
مینویسد ربحی که در ازاء قرض دریافت  
میشود چنین و چنان است ربح آنهم در  
مجلس شورای ملی ؟ اینکه معنی ندارد  
پس بگوئید اجازه . چرا ربح مینویسید ؟  
یکنفر از نمایندگان - بلی  
اجاره

کازرونی - البته آقا . ربح معنی ندارد  
باید بنویسید مال الاجاره فرق بین کلمه  
نفی و اثبات همان نفی و اثبات است . وقتی که  
مال الاجاره نوشتیم درست میشود و وقتی  
که ربح نوشتیم غلط است این را عرض میکنم

که خیلی مراقب باشند اینها بزن گارهای  
است که باید علاقه مندها خیلی مراقب  
باشند .  
آقای معاون مالیه فرمودند انشاء الله  
قریباً نتیجه این عمل این شکایت هائی که  
میرسد خاتمه پیدا میکند بنده هم میدانم .  
در آتی چیزی از ایشان باقی نیست نه زراعت  
باقی است و نه تخریب دارند و نه ملکی و  
نه کشتی .

دیگر شکایت برای چه بکنند ؟ خوب  
دیگر بیش از این چیزی عرض نمیکند سایر  
آقایان هم اجازه خواسته اند

رئیس - آقای نظامی  
(اجازه)

یکنفر از نمایندگان - نیستند  
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا  
محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

رئیس - شهادت ستون موافقین امضاء  
کرده اند

محمد هاشم میرزا - خیر بنده مخالفم ممکن  
است اشتباه شده باشد

رئیس - آقای دستغیب  
(اجازه)

دستغیب - کلمه اول عرض بنده کلمه  
اخیر فرمایش آقای کازرونی است فرمودند  
که علاقه مندها ربح را باید مال الاجاره  
بگویند . البته کسی هم حق ندارد ربح بگوید  
هیچ کس هم عقیده ندارد باین که کلمه در  
یکی از موادش ثبت شود

اماراجع باصل قضیه . بنده بدرجه باین  
قضیه عقیده مند هستم و معتقدم که مسئله اصلاح  
املاک ایران موقوف بر این لایحه است که  
شاید اگر اشتباه نکرده باشم و اغراق نگفته  
باشم آبادی عشر املاک بعضی از شهرهای  
ایران بواسطه همین لایحه است

اماراجع بفرمایش آقای شیروانی که  
بنده لازم جزع یادداشت کرده ام فرمایشاتشان  
اغلب مخالف باهم بود برای خاطر اینکه  
يك جا می گفتند پول مال غیر است پول مردم  
را بچه جهت و بچه حق بیاییم خرج کنیم  
و موضوع خرج برایش برتر اشیم ولی بعد  
خودشان در يك جای دیگر محل دیگری  
برایش معین کردند از قبیل سد اهواز  
و غیره .

بنده عرض میکنم اگر نمیتوانیم این  
پول را خرج بکنیم پس چرا خودتان برایش  
خرج درست کردید پس معلوم می شود  
می توان برای این پول بفرمایش خودتان خرج  
درست کرد . نهایت این است که ایشان  
میفرمایند در اینجا خرجش موضوع  
ندارد .

پس علی ای تقدیر در این که يك قسمت  
از فرمایشاتشان مخالف يك قسمت دیگر  
از بیاناتشان بود محل حرف نیست

آقای آقا شیخ فرج اله سلمه اله تمالی  
میفرمایند . آن کان ولاید که تفسیرش  
بفارسی این می شود که اگر لا بد بشویم

آن کان ولاید را آقای شیروانی فرمودند  
فرمودند خوب است آنجا را مقدم بر اینجا  
بذاریم . ایشان صلاح دیدشان این طور  
است

بنده عرض میکنم اینجا مقدم است .  
اما فرمایش اخیر آقای کازرونی که فرمودند  
نداریم همچو مالکی که بیاید پول بگیرد و  
ملکش را گرو بگذارد یا بیع شرط  
بگذارد .

بنده عرض میکنم الان سه چهار  
عریضه اش پیش من است که حاضر شده است  
زارع بیچاره که میگویی پول بدهید تا من  
ملك خودم را آباد کنم .

وزارت مالیه هم عریضه نوشته است  
که ملک خراب است بیاید پول بمن بدهید  
تا من ملک را آباد کنم و اگر هم خدای  
نخواسته من خلاف امانت رفتار کردم و پول  
را ندارم اصل ملک را بیع شرط  
میگذاریم

از این قبیل اشخاص خیلی هستند که  
ملك دارند ولی پول ندارند که خرجش کنند  
يك پولی میخواهند از يك جایی قرض کنند  
خرج ملکشان کنند

آقای کازرونی فرمودند باین ترتیب  
خیلی ها هستند که قرض میدهند بنده عرض  
میکم اگر بودند نمی آمدند متوسل و متشبث  
بدولت بشوند پس چون کسی نیست از این  
جهت بدولت متوسل شده اند

رئیس - آقا عده برای مذاکره کافی  
نیست چند دقیقه تنفس میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل  
و پس از يك ربع ساعت مجدداً تشکیل  
گردید)

معاون وزارت عدلیه - پیشنهادی است  
راجع بتشکیل صلیحیه های نواحی که با  
موافقت وزارت مالیه تهیه شده تقدیم مجلس  
شورای ملی میکنم

رئیس - بکنم سیون بودجه ارسال خواهد  
شده برای مذاکره و رأی کافی نیست .  
پس باین جلسه ختم می شود  
جلسه آتی به حسب معمول روز سه شنبه  
سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم دستور  
امروز

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم  
شد .)

رئیس مجلس شورای ملی  
سید محمدتدین  
منشی - شهاب  
منشی - علی خطیبی